

انترناسیونال

دوره دوم
۲۶اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.

منصور حکمت

سه شنبه، ۲۹ اردیبهشت ۱۳۸۳
۱۸ مه ۲۰۰۴

سردبیر: فاتح بهرامی

anternasional@yahoo.com

Fax: 001-519 461 3416

www.m-hekmat.com

هر سه شنبه و جمعه منتشر میشود

اعتراض مردم شاهین شهر
علیه جمهوری اسلامی
صفحه ۴اطلاعیه کنفرانس سالانه
تشکیلات حزب در آلمان
صفحه ۳* جنگ تروریست ها
* بولدوزر و عملیات انتحاریدر حاشیه رودیاداها
سیاوش مدرسی
صفحه ۴جنگ دایناسورها
بر سر مارمولک

محسن ابراهیمی

چهره روحانیت را مخدوش
میکند، بعد از این فیلم بی
اعتنائی به آخوندها در انظار
عمومی بیشتر شده است. و
آخوندهای موافق میگویند
برعکس این فیلم به نفع روحانیت
است.موضوع بر سر چیست که این
فیلم این همه اختلاف را
صفحه ۳دیگر از بیت خامنه ای و دفتر
خاتمی تا خطبه های نماز جمعه
صحبت بر سر فیلم مارمولک
است.
حکام اسلامی بر سر این فیلم
اختلاف نظر پیدا کرده اند. عده
ای خواهان ممنوع شدنش هستند
و عده ای معتقدند نشان دادن
فیلم ایرادی ندارد. آخوندهای
مخالف میگویند این فیلم به
تقدس روحانیت لطمه میزند،چند هفته گذشته در ایران بر سر
فیلم مارمولک سر و صدای
وسیعیه براف افزاده است.
مارمولک هم توجه مردم را جلب
کرده است و هم توجه سران
جمهوری اسلامی را. از یکطرف
در هر سینمایی که سر و کله
مارمولک پیدا میشود جمعیت
برای تماشایش ازدحام میکنند و
این فیلم تا همینجا به پر بیننده
ترین فیلم بدل شده است و از طرفرژیم اسلامی
پس از انتخابات مجلس
(نگاهی به صف بندیها و مسائل جدید)

۱- دو خرداد و "استراتژی جدید"

فاتح بهرامی

حکومت اسلامی، یعنی وجود يك
جنبش قدرتمند خواهان سرنگونی آن سر
جایش است که خود منشأ اصلی
اختلافات درون حاکمیت و عروج دو
خرداد بود. اینکه جناح راست تصمیم
میگیرد که با استفاده از اهرم شورای
نگهبان به حضور دو خردادها در مجلس
پایان دهد و قطعاً تلاش خواهد کرد که
قوه مجریه را نیز در انتخابات بعدی
رئیس جمهور بدست بگیرد، حاکی از
آماده کردن و تغییر آرایش خود برای
رویارویی با نیروی اصلی تهدید کننده
کل حاکمیت رژیم اسلامی یعنی مردم
سرنگونی طلب است. اما در این
وضعیت سران حکومتی دو خردادی دارند
از "استراتژی جدید" برای بازسازی خود
حرف میزنند و حتی بنظر میرسد که در
بین سازمانهای اصلی این جریان
توافقاتی بر سر نحوه برخورد به جناح
راست و نحوه بازسازی خود وجود دارد.
در بخش اول این نوشته میخوانم به
بررسی موقعیت دو خردادها و مضمون
و هدف بحث هائی که حول "استراتژی
جدید" خود راه انداخته اند اشاره کنم و در
بخش های دیگر به سایر جنبه های مهمصف بندیهای درون رژیم اسلامی و تنش
ها و اختلافات بین جناحهای رژیم دارد
اشکال جدیدی بخود میگیرد. هرچند
خیلی قبلتر از مضحکه انتخاباتی
مجلس هفتم جریان دو خرداد و پروژه
اصلاح جمهوری اسلامی شکست خورده
بود اما نتیجه انتخابات و تسخیر
مجلس توسط جناح راست حضور
اکثریت دو خردادی را در مجلس و بهر
آن کشمکش های دو جناح را بر سر
انتخابات خاتمه داد. این وضعیت جدید
در کنار وضعیت دولت خاتمی و
همچنین چشم انداز نتیجه انتخابات
رئیس جمهور در یکسال دیگر وضعیت
جدیدی را در مقابل رژیم و جناحهای
مختلف آن قرار میدهد. این وضعیت
موقعیت کل رژیم در برابر جنبش انقلابی
برای سرنگونی رژیم و برخورد به آن،
روابط حکومت اسلامی با آمریکا و
اروپا و نحوه برخورد به اختلافات،
مسائل منطقه و عراق، تقابل ها و صف
بندیهای جدید در جناح های رژیم، و کلا
سیاستهای رژیم در عرصه های مختلف
در سطح داخلی و بین المللی را تحت
تاثیر قرار میدهد. اما معضل اصلیاجتماع بزرگ و اعتراض مردم منطقه
کامیاران در مقابل پست بازرسی نیروی
انتظامی رژیم در گشکی ادامه داردترمینال تروه ریز را سنگباران
میکند. رژیم نیروی ویژه ای را به
منطقه و از جمله به پست بازرسی
روستای گشکی فرستاده است.
مردم خشمگین از جنایت رژیم در
مسیر میروان کامیاران به سمت
روستای گشکی در نقاط متعددی
جاده را بسته و لاستیک آتش زده
و ماشینهای مزدوران را با سنگ
صفحه ۳فرزند حبیب الله جان باخته و ۲
نفر زخمی میشوند. حال زخمیها
به شدت وخیم است.
با پخش این اخبار هزاران نفر
از مردم منطقه به طرف روستای
گشکی حرکت کرده اند و هر
لحظه بر تعداد جمعیت معترض و
خشمگین افزوده میشود. همزمان
در شهر کامیاران نیز صدها نفر
دست به تظاهرات زده و
ماشینهای دولتی رژیم درامروز دو شنبه ۲۸ اردیبهشت از
ساعت ۱۰ صبح ماشینهای
حامل مسافران از جمله يك مینی
بوس در ایستگاه بازرسی
مأموران رژیم در روستای گشکی
در جاده کامیاران مریوان مورد
بازدید قرار گرفته اند، مزدوران
رژیم به بهانه اینکه مسافری
اجناس قاچاق به همراه دارند
دست به تیراندازی میزنند که در
نتیجه يك نفر بنام اقبال رحمانی

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ رژیم اسلامی پس از انتخابات مجلس

این وضعیت جدید خواهم پرداخت.

مضمون "استراتژی جدید"

دو خرداد محصول پابمیدان گذاشتن جنبشی بود که موجودیت رژیم اسلامی را هدف قرار داده بود. جدال این جریان با جناح راست حکومت اسلامی بر سر نحوه "حفظ نظام" و ناکارائی روش سرکوب مستقیم در برخورد به جنبش سرنگونی و دخیل کردن طیف وسیعتری از نیروهای طرفدار جمهوری اسلامی در حاکمیت بود. ما از همان ابتدا گفته بودیم که جمهوری اسلامی نه قابل اصلاح است و نه روش و حرکت ارتجاعی جناح دو خرداد میتواند جنبش آزادیخواهانه توده کارگر و مردم زحمتکش را علیه جمهوری اسلامی بخانه بفرستد. جدالهای دو جناح را "جنگ بازنده ها" خواندیم. هرچند این جریان توانست برای حکومت اسلامی چند سال عمر

بخرد، اما نه تنها مردم خیلی سریع از خاتمی و دو خرداد عبور کردند بلکه مشخصا در خرداد و تیر سال قبل معلوم شد که مردم میروند که به شیوه انقلابی این حکومت را بزیر بکشند. اینها هفت سال هیاهو کردند، پاسدار و شکنجه گریهای دیروزی را بعنوان فیلسوف و ژورنالیست و دمکرات و جامعه شناس و غیره در بوق کردند. از خارج حکومت نیز گروهها و سازمانهای طرفدار رژیم دوباره جان گرفتند و در مدح و ثنای این ناجیان "جامعه مدنی" دست به سینه و کاسه بدست برای تیره کردن جانبان رژیم اسلامی هر چه در توان داشتند دریغ نکردند. کشورهای غربی زیر بغلشان را گرفتند و در بوقشان کردند. در عین حال از طرف رهبر و جناح رقیب مرتب توسری خوردند، جناح راست عناصری از آنها را زندانی کرد، روزنامه هایشان را بستند، ترورشان کردند، رد صلاحیت کردند، لایحه ها و طرحهایشان را رد کردند، اما فقط هارت و پورت کردند و ناله سر دادند. گفتند از حاکمیت بیرون میرویم اما نرفتند. گفتند رفراندم میکنیم اما جرئت و توان و امکانش را نداشتند. تجزیه شدند، "تندرو"

در روزهای اخیر اکثر عناصر اصلی و رهبران دو سازمان اصلی جریان دوخرداد، یعنی حزب مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، درباره استراتژی خود حرف زده اند و دلایل شکستشان را مطرح کرده اند. جلسه و کنگره گرفتند و جدا از برخی تفاوتهای کوچک تقریبا تحلیل و نظر واحدی راجع به حرکت آتی خود برای بازسازی "اصلاحات" دارند. علیرضا علوی تبار، محمد رضا خاتمی، علی شکوری راد، سعید حجاریان، محمد سلامتی، مصطفی تاج زاده،

بهزاد نبوی و برخی دیگر در اینمورد و نیز درباره نحوه کار خاتمی و نامه وی حرف زده اند. لپ کلام همه شان اینست که استراتژی آنها برای پیاده کردن "مردمسالاری" درست بوده و از باید تاکتیک ها را عوض کنند، و از صفر شروع کنند! میگویند یک جنبه نیروی تغییر تاکتیکها درون جامعه است، یعنی تقویت افکار عمومی و نهادهای مدنی و جنبه دیگر هم درون حکومت است. معلوم نیست افکار عمومی ای که در کمین است که همه اوباش اسلامی را بدرک بفرستد چگونه تقویت میکنند و این جماعت ضد انسان و ضد مدنیت کدام نهاد مدنی را میخواهند بوجود بیاورند یا تقویت کنند؟ میگویند صرف اینکه ما را از حکومت بیرون انداختند قهر نمیکنیم و سیاست را کنار نمیگذاریم. میگویند اشکال بر سر قانون اساسی نیست بلکه مساله بر سر "قرائت دمکراتیک" از آن است و تلاش میکنیم که جناح رقیب را وادار و متقاعد کنیم که آنرا درست پراتیک کند. بر روی "انتخابات آزاد" تاکید میکنند و مولفه های آنرا می شمارند. میگویند که باید وفادار به نظام بمانیم و حتی تاکید میکنند که جناح راست اشتباه میکند که خود را نظام میدانند ما از آنها بیشتر در نظام بوده ایم. میگویند در مجلس چهارم هم رقیب مسلط شد و ما منصب خاصی نداشتیم و فعالیت کردیم و اکنون هم از صفر شروع میکنیم و فعالیت میکنیم. وقتی به کل حرفهای همه شان در استراتژی جدید دقیق شوید بجز اینکه دوباره فعالیت میکنیم و انتخابات آزاد باشد و جناح رقیب با ما مدارا کند نکته دیگری در این باصطلاح استراتژی وجود ندارد.

نکته جالب اینست که لحن و موضع همه اینها در مورد جریان راست و کسانی که تازه به مجلس آمده اند نرمتر ملایم تر از دوره قبل از انتخابات است. مثلا سلامتی میگوید استراتژی اصلاح طلبان این نیست که آتیهایی که به مجلس هفتم رفته اند را خراب کنیم و نگذاریم کار کنند. حتی در مورد مطرح شدن مجدد حکم اعدام آخاجری میگوید "نه بخاطر شخص آخاجری" و "نه بخاطر سازمان مجاهدین انقلاب" بلکه بخاطر حفظ وجهه نظام بهتر است جناح مقابل در این زمینه اقدامی انجام بدهد. او حتی تاکید

میکند که استعفای آرمین و نبوی یعنی خروج از حاکمیت نیست. در مورد عملکرد خاتمی و نکات نامه اخیرش هم تقریبا همه با لحن متفاوتی از گذشته حرف میزنند و از وی دفاع میکنند و تعهد وی به اصولش را ستایش میکنند و البته اشاره هم میکنند که از تمام ظرفیتهای دولت و گروهها و مجلس بخوبی استفاده نکرده است. از جناح راست گله میکنند که با آنها برخورد مداراویانه نمیکند. مجموع این فرمایشات مضمون حرفهای استراتژیک دوخردادیها و بیانگر قواره آنها و برنامه آینده شان است.

هدف "استراتژی جدید"

در استراتژی جدید دو خردادیها تنها نکته ای که لااقل در بیان علنی نسبتا جدید است نحوه برخورد از پائین به جناح راست، نشان دادن روحیه مسالمت جوئی و پرهیز از شاخ و شانه کشیدن، انتقاد کمتر از خاتمی، تعهد دادن به کار و فعالیت کردن و قهر نکردن، خوشروئی نشان دادن به آبادگران مجلس، و کلا تصویر دادن از اینکه با بیرون افتادن از حاکمیت مودب بودنشان را در قبال طرف مقابل حفظ میکنند. این بخش عمده ای از هدف آنها در بحث استراتژی جدید است. دلیلش هم روشن است. در شرایطی که در مجلس حضور داشتند و هنوز هارت و پورت و چانه زدن بر سر رد صلاحیت ها امید رفتن مجدد به مجلس را کاملا از بین نبرده بود، بالاگرفتن دعوا و انتقاد برایشان معنی داشت. اکنون قضیه برعکس است. باید تلاش کنند که خود را حفظ کنند و کمتر مورد غضب قرار بگیرند. باید کاری کنند که به بازی گرفته شوند. امید دیگرشان، هرچند ناچیز، اینست که شاید نماینده یا کسی نزدیک به آنان بتواند و اجازه پیدا کند که بعد از خاتمی رئیس جمهور شود. یکسال فرصت دارند و هنوز امکان و فرصت اثبات مطلوبیت خود برای نظام را دارند. اتفاقا در حرفهای برخیشان انتقاد از تندرو های هر دو جناح نمایانتر از قبل است. این پیام که ضمن انتقاد به تندروهای طرف مقابل میگوید تندروهای جناح خودم را هم قبول ندارم دارد به "خرد گراها" و "ملایم" های طرف مقابل چراغ سبز میدهد.

اینها را کسانی امروز میگویند که دیروز تهدید خروج از حاکمیت میکردند.

بنابراین کل هدف این استراتژی تلاشی است برای اینکه از بالا موقعیت و حضورشان را در حاکمیت حفظ کنند، نظامشان را نگهدارند و سهمشان را ببرند. بحث تقویت افکار عمومی و نهاد مدنی و رجوع به جامعه چرت است. باین دلیل ساده که امروز بجز عده ای اوباش و مزدور کسی در ایران چشم دیدن این حکومت و هیچ جناحی از آن را ندارد. اگر هنوز اینها از اصلاح طلبی حرف میزنند، امروز دیگر خاصیت آن مانند یک تابلو مانند کوکاکولا است که بر گردش آویزان کرده اند و خود را در جامعه با آن صدا میزنند. تازه برای همین هم هست که وقتی جریان آبادگران از آباد گری و پیشرفت و مصاده برخی شعارهای اصلاحات حرف میزند آنرا تائید میکنند و بعنوان پیروزی و پیشرفت جنبش اصلاح طلبی از آن یاد میکنند. جریان دو خرداد مرد، خودشان گفتند. امروز دارند برای توجیه دلایل "از صفر شروع کردن" بجز اراجیفی مانند اینکه اصلاح طلبی در بطن جامعه وجود دارد، دلایل شکست را علاوه بر "تمامیت خواهی" جناح راست اینطور فرموله میکنند که تشکیلات مناسب برای جمع کردن و بسیج کردن نیروی اصلاحات در جامعه را نداشتند و قرار است بروند آنرا درست کنند. این البته نه در تئوری و نه در عمل برای دو خردادیها محلی از اعراب نمیتواند داشته باشد، فقط توجیهی بر ادامه فعالیت نعش اصلاحات است که همانطور که اشاره کردم و از حرفهایشان برمیآید چشم به بالا دارند. البته در این زمینه باید به تلاشی در زمینه بازسازی دفتر تحکیم وحدت اشاره کنم که جزو مهمترین عرصه ایست که به آن توجه دارند. دفتر تحکیم وحدت در هفته گذشته و بدنبال اختلافات درون آن در یکسال گذشته توانست اکثر اعضای سرشناس رهبری سابقش را به شورای مرکزی بفرستد. اما این رهبری با جنبش دانشجویی که دو سال پیش از دفتر تحکیم وحدت عبور کرد و اعتبارش را نزد دانشجویان از دست داد، بزحمت

از صفحه ۱ جنگ دایناسورها بر سر مارمولک

در میان حکام اسلامی و این همه اشتیاق در میان مردم به وجود آورده است؟

سناریوی فیلم از این قرار است: دزد با سابقه ای به نام رضا مارمولک گذرش از زندان به بیمارستان میافتد. در بیمارستان با آخوندی آشنا میشود و با استفاده از لباسی که این آخوند در اختیارش میگذارد میتواند بدون مشکل خودش را به يك شهری دورافتاده برساند و در آن شهر عملاً به عنوان امام جمعه آن شهر جا می افتد. و البته برخلاف خیل امام جمعه های واقعی در حکومت اسلامی که در هر شهری بساط دزدی راه انداخته اند، سناریو نویس رضا مارمولک را به يك امام جمعه خاکی و یاور و مورد اعتماد مردم تبدیل کرده است.

با همین تصویر کوتاه میتوان فهمید چرا حکام اسلامی بر سر فیلم مارمولک اختلاف نظر دارند و چرا مردم صف میکشند این فیلم را ببینند و بخندند و حال کنند. اجازه بدهید چند لحظه سر اختلاف سران حکومت اسلامی از یکطرف و اشتیاق مردم از طرف دیگر مکث کنم.

مهم نیست نویسنده سناریو با پوشاندن لباس روحانیت بر تن يك دزد با سابقه که دست آخر به يك امام جمعه خوب تبدیل میشود میخواهد چه پیامی بدهد. آیا میخواهد بگوید روحانیها همه دزدان با سابقه هستند یا میخواهد بگوید لباس روحانیت میتواند يك دزد با سابقه را به يك آدم خوب تبدیل کند؟ یا به کلام ساده تر آخوند بد و خوب داریم. مهم اینست

که اغلب حکام اسلامی خوب میدانند که با تمام دو پهلو بودن فیلم، مردم در فیلم سراغ آن جنبه ای میروند که خارج از سینما در کوچه و خیابان و محل کار هر روز میبینند. و آن اینست که روحانیها به عنوان سمبل حکومت اسلامی از دم دزدان با سابقه و هفت خط هستند. مردم در سیمای رضا مارمولک امام جمعه شده، مستقیماً چهره امام جمعه های شهر، قضات شرع، روسای زندانها، مفتخوران قرض الحسنه ها را میبینند که شغل اصلیشان دزدی است. کسانی که فقط يك قلم دزدیشان از صندوقهای قرض الحسنه سر به آسمانها میزند.

این حقیقت ساده را هم سران جمهوری و هم مردم براحستی میفهمند و به همین دلیل ساده، اولیها از نمایش فیلم نگران میشوند و دومیها با اشتیاق صف میکشند تا فیلمی را ببینند که در آن يك دزد با سابقه در پوست آخوند رفته و امام جمعه هم شده است.

از يك نگاه دیگر هم میتوان روی این سؤال تامل کرد که چرا يك فیلم آنهم يك فیلم دو پهلو اینقدر در میان حکام اسلامی نگرانی و در میان مردم اشتیاق تماشا بوجود میآورد.

در ایران حکومت اسلامی، هر بهانه ای که بتواند مردم را دور هم جمع کند و مردم بتوانند مخالفتشان با حکومت اسلامی را باهم سهیم شوند برای حکومت ترسناک و برای مردم شوق برانگیز است. این تجمع میتواند به بهانه استقبال از يك فوتبالیست، شام غربیان و یا چهارشنبه سوری باشد که در آن دختر

و پسر باهم برقصد و یکی از مقدمات حکومت اسلامی را آنهم به صورت دسته جمعی و علنی زیر پا بگذارند. میتواند به بهانه دیدن فیلمی مثل مارمولک باشد که امکان ریشخند علنی و دسته جمعی آخوندها به عنوان سمبل رسمی جمهوری اسلامی باشد. وقتی مردم پای فیلم مارمولک می نشینند و با هر تمسخر آخوند قهقهه شان بلند میشود، در حقیقت جوک و خنده و ریشخند هرروزه آخوند به عنوان تجسم حکومت اسلامی را از خانه و مدرسه و تاکسی و محل کارشان به يك تجمع وسیعتر کشانده و به صورت علنی تر ادامه میدهند. حکام اسلامی خوب میدانند که این فقط يك تجمع برای تفریح نیست. آنها هر چقدر هم کم عقل باشند وقتی این تجمع تفریحی مردم را در کنار اعتراضات هجده تیر و شورش فریدونکنار و مبارزه کارگران در شهر بابک و اعتراضات هر روزه کارگری میگذارند تصویر ترسناکی در مقابلشان ظاهر میشود.

اگر بخواهم خلاصه کنم باید بگویم که در حقیقت مردمی که زندگی واقعیشان را اسلام حاکم به تراژدی تبدیل کرده است در فیلم مارمولک شکل کمدی همین تراژدی را میبینند. مردمی که در زندگی واقعی با دایناسورهای اسلامی سر و کار دارند و با آنها گرم مبارزه هستند در سینما به نسخه مارمولکی این دایناسورها میخندند. در حقیقت، شلیک خنده دسته جمعی مردم در صندلیهای سینما به مارمولک اسلامی ادامه فریاد دسته جمعیشان در خیابانها علیه دایناسورهای اسلامی است. *

يك روز بخشی از مردم را در توهم نگه دارد مانده است. مساله اساسی آماده شدن کارگران و مردم آزادیخواه برای مصاف نهائی با حکومت اسلامی است. ادامه دارد.

دانشجویان در سالگرد ۱۸ تیر است که دارد از راه میرسد. جریان دو خرداد مفتضحانه کنار رفت، بخشی از کشمکش های جدید به درون جناح راست منتقل میشود و از هم اکنون نشانه های آن دیده میشود. دیگر فرصتی برای هیچ جناحی از رژیم که

قابل توجه عموم

اطلاعیه برگزاری کنفرانس سالانه تشکیلات حزب کمونیست کارگری ایران واحد آلمان

در روزهای ۲۹ و ۳۰ ماه مه دهمین کنفرانس سالانه تشکیلات آلمان حزب کمونیست کارگری ایران برگزار میشود. این کنفرانس علنی است و شرکت همه علاقمندان در آن آزاد است.

حمید تقوایی لیبر حزب کمونیست کارگری ایران و از رهبری حزب در کنفرانس سالانه حزب شرکت میکنند.

با شرکت در کنفرانس تشکیلات آلمان میتوانید از نزدیک با اعضای رهبری حزب، کادرها و اعضای تشکیلات آلمان آشنا شوید و در جریان فعالیت و اولویتهای تشکیلات آلمان در دوره آتی باشید.

تشیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - آلمان
۲ مه ۲۰۰۴

تلفنهای تماس برای ثبت نام در کنفرانس سالانه حزب در آلمان:
زرزشت احمدزاده: ۰۱۷۳۹۸۷۰۱۰۰
نسان نودینیان: ۰۱۷۳۸۷۲۵۱۸۵

از صفحه ۱ اجتماع و اعتراض مردم منطقه کامیاران

مورد حمله قرار میدهند. هم اکنون بالغ بر ۲۰۰۰ نفر مردم منطقه در روستای گشکی اجتماع کرده و خواهان معرفی جنایتکاران هستند. مسئولان رژیم، امام جمعه کامیاران به اسم ملا محسن حسینی را به روستای گشکی برده تا از مردم بخواد که دست از سر مزدوران رژیم بردارند. اما مردم خشمگین به اعتراض خود ادامه میدهند. در ساعات اول مردم حاضر در منطقه ماموران رژیم را کتک کاری کرده و اموال ضبط شده توسط مزدوران را از آنها پس گرفته اند.

کمپته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۸ اردیبهشت ۸۳،
(۱۷ مه ۲۰۰۴)

Tel: 0044-779-1130-707

Fax: 0044-870-135-1338

Email: markazi@ukonline.co.uk

دفتر مرکزی حزب

مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

اعتراض جوانان و مردم شاهین شهر علیه نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی

شهر تقاضای کمک می کنند. پس از مدتی نیروهای رژیم با شمار زیادی تیر و مرمک از حفاظت و نیروهای ویژه وارد عمل می شوند و مردم را متفرق می کنند. در تمام طول شب نیروهای سرکوبگر در هراس از ادامه اعتراضات، خیابانهای مختلف شهر را به قرق خود در می آورند و یک حکومت نظامی اعلام نشده برقرار می کنند. اعتراض اخیر مردم شاهین شهر، خاطره اعتراضات وسیع مردم این شهر در ارتباط با ۱۸ تیر سال قبل را در اذهان مردم زنده کرد. مردم شهر با آزاد کردن این دو دختر آمادگی خود را برای استقبال از روزهای ۲۰ خرداد ۱۸ تیر اعلام کردند. از سوی دیگر نیروهای جمهوری اسلامی نیز در نگرانی از تکرار وقایع سال پیش بسیج شدند که از گسترش حرکت مردم جلوگیری کنند.

حزب کمونیست کارگری به مردم شاهین شهر بخاطر حمایت از دختران دستگیرشده و مقابله قاطع با سرکوبگران درود میفرستد و همه بخشهای مختلف مردم را به گسترش اعتراض و مبارزه علیه جمهوری اسلامی بخصوص در آستانه فرارسیدن سالگرد ۲۰ خرداد-۱۸ تیر فرا می خواند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۹ اردیبهشت ۱۳۸۳،

۱۵ مه ۲۰۰۴

بنا به خبری که حزب دریافت کرده است، روز ۲۵ اردیبهشت مردم مبارز و جوانان جسور شاهین شهر بر علیه نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی دست به اعتراض زدند و آنها را وادار به عقب نشینی کردند. اعتراض مردم و جوانان حدود ساعت ۸ تا ۹ شب و زمانی آغاز شد که سرکوبگران جمهوری اسلامی دو دختر جوان را به دلیل "بد حجایی" می گیرند و آنها را به محل استقرار موقت یگان موسوم به ۱۱۰ واقع در ابتدای خیابان فردوسی منتقل می کنند. دختران دستگیر شده دست به مقاومت میزنند و از ورود به داخل پاسگاه خودداری می کنند. سرکوبگران علیه آنها به خشونت متوسل می شوند و دختران با داد و فریاد از مردم کمک می طلبند. مردمی که شاهد این صحنه بودند بلافاصله علیه نیروهای انتظامی وارد عمل می شوند. در مدت زمان کوتاهی جمعیت زیادی از مردم شهر و بویژه جوانان جمع می شوند و با سر دادن شعار به نیروهای سرکوبگر حمله ور می شوند. مردم خشمگین با تعرض به محل نیروهای رژیم، شیشه های کیوسک آنها را در هم می شکنند و بالاخره موفق می شوند که دو دختر بازداشت شده را از چنگال مزدوران رژیم رها سازند. مامورین جمهوری اسلامی که در حلقه اعتراض مردم گرفتار آمده بودند، سراسیمه از دیگر نیروهای سرکوبگر مستقر در

واقعیت این است که برای دولت اسرائیل بولدز یکی از کاراترین سلاح های جنگی است، هلیکوپترهای آپاچی، توپخانه، شکاری های جنگی و سربازان تا دندان مسلح بیرحمانه میزنند، میکشند تا زمین را برای حضور "پرشکوه" بولدزهای تخریب آماده کنند. وظیفه اصلی بولدزها خیلی ساده این است که اماکن فلسطینی ها را تخریب می کنند تا بر زمین های بجامانده از آن آبادی های یهودی نشین "سبز شوند و دولت اسرائیل گامی دیگر به احیای رویای "سرزمین داود" نزدیکتر شود.

دولت دست راستی و تروریستی اسرائیل به تروریسم کور و عملیات انتحاری حماس و جهاد اسلامی و حزب الله نیازمند است، نیازمندتر از آب و نان شب، آنها باید اکتیو در صحنه حضور داشته باشند تا بهانه ادامه جنگ بقصد "بازپس گیری" سرزمین موعود از "دشمنان" فراهم شود، تا زمینه چانه زنی بر سر حدود و ثغور کشور بهتر اسرائیل مهیا شود، تا سرزمین ها بیشتری به اشغال دربیانند و "آبادی های یهودی نشین" بیشتری ساخته شوند.

در مقابل، دارودسته های اسلامی تروریستی نیز که تنها در جنگ و مرگباری میتوانند بقا داشته باشند نیز به شارون نیازمند هستند. آمار و ارقام رسانه های غربی نشان میدهند که هرگاه که بحث صلح پیش آمده، راست ارتجاعی در هردو سو تضعیف شده اند.

این تنها جنبش سکولاریستی در هردو سوی این منازعه است که میتواند با چیرگی بر شارونیزم و اسلام سیاسی زمینه های پایان این فاجعه انسانی را فراهم کند. *



سیاوش مدرسی

در حاشیه رویدادها

جنگ تروریست ها

جمعی ارائه می شود تنها گوشه ای از این حقیقت تلخ است. برای مثال در جریان جنگ قومی رواند ۸۰۰ هزار کودک و بزرگسال تنها طی صد روز قتل عام و نابود شدند.

هیچ کدام از طرفین این کشمکشها محق نیستند، نه دولت آمریکا حامی دمکراسی و حقوق انسان است نه دولت اسرائیل، نه حماس و دارودسته مقتدی صدر حامی مستضعفین و نجات عراق است نه بقایای بیجا مانده حزب بعث در عراق و نه حکومت اسلامی در ایران.

اما عروج و میداننداری این باندهای کثیف تنها به دلیل ضعف جنبش سوسیالیستی و جنبش انسان خواهی و انسان پروری است. آنچه که بر سر میلیونها انسان در کره زمین می آوند تنها و تنها این حقیقت ساده را بیان می کند که سالها پیش منصور حکمت اعلام کرد: "دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون خطر سوسیالیسم، به چه منجلابی بدل می شود"

بولدزر و عملیات انتحاری

رسانه ها اعلام کردند که از زمان آغاز انتفاضه دوم در فلسطین بیش از ۱۱ هزار نفر از نوار غزه اخراج و به لیست چند میلیونی آوارگان افزوده شده اند، خانه و کاشانه آنها تخریب و اجازه بازگشت به نوار غزه را ندارند.

جنگ تروریست ها شنیع و دهشتناک است. یک دارودسته تروریستی می تواند بر یک دولت حاکم باشد و زرادخانه سرکوب دولتی را در اختیار داشته باشد و یا اپوزیسیون باشد و به چاقو، ساطور، قمه و یا سلاح گرم مجهز باشد، هدف هردو یکی است. اهداف نظامی هر دو طرف در محو حیات طرف مقابل به کثیفترین شکل ممکن و از همه مهمتر باز تولید روزمره ارباب، وحشت، خوف، ترس و مرگ خلاصه می شود، انسان و زندگی سبیل حمله است مهم نیست چه کسی باشد؟ چه کاره باشد؟ کودک باشد یا مسن؟ تنها باید یک مولفه داشته باشد. زاده منطقه، کشور، شهر و یا روستایی باشد که طرف مقابل در آن نفوذ و یا قدرت دارد. در منطق تروریست ها نسبت به "دشمن" همه چیز روا است، سربریدن، سنگسار، تحقیر، شکنجه، خراب کردن خانه بر سر زن و مرد و کودک، منفجر کردن اتوبوس حامل کودکان، انهدام خود و مراکز کار و زیست و تفریح مردمی که جرمانان این است که زاده جای دیگری هستند، یا در محلی زندگی میکنند که "دشمن" در آن قدرت و سیطره دارد.

امروز عراق و فلسطین و اسرائیل صحنه چنین نبرد کثیفی است. هیچ کدام از طرفین این جنگ هیچ معیاری بجز نابودی و ارباب به شنیعترین شکل آن ندارند. آنچه که امروز در وسایل ارتباط

تلویزیون انترناسیونال

هر شب ساعت ۸ تا ۹:۳۰ به وقت تهران

مشخصات فنی آنتن

Satellite: Telstar 12
Center Frequency: 12608 MHz
Symbol Rate: 19279
FEC: 2/3
Polarization: horizontal

کمک مالی به تلویزیون انترناسیونال

(از اعضا و دوستان حزب کمونیست کارگری در غرب کانادا)

۵۰۰	اقبال نظر گاهی	۲۵۰	محمد از ونکوور	۲۰۰۰	ایرج عبدالهی
۶۰۰	مصطفی صابر	۴۰۰	داریوش	۱۰۰۰	مژگان روشن
۴۰۰	علا	۵۰۰	سلیمان نقده	۵۰۰	آذر بهزادیان
-----	-----	۵۰۰	مسعود آذرنوش	۵۰۰	سلیمان سیگارچی
جمع کل: ۱۰۴۰۰ دلار کانادا		۵۰۰	حبیب	۵۰۰	مینا بهروزی
		۷۵۰	عباس محمدی	۵۰۰	عشمان نقده
		۵۰۰	مینا ش.	۵۰۰	البرز ۵۰۰ از طریق صابر آزاد